

چهارشنبه ۱۷ دی ۱۳۹۹ • ۲۲ جمادی‌الاولی ۱۴۴۲ • ۶ ژانویه ۲۰۲۱

اخبار

سیزدهمین جایزه جلال به ایستگاه پایانی رسید

معرفی برگزیدگان و شایستگان تقدیر سیزدهمین دوره جایزه جلال آل احمد، دوشنبه شب ۱۵ دی در قالب برنامه تلویزیونی «شب روایت» از سری شب‌های هنر که روزهای دوشنبه به کتاب و کتابخوانی اختصاص دارد، انجام شد.

به این‌ترتیب برگزیدگان و شایستگان تقدیر جایزه مذکور در بخش‌های «مستندنگاری»، «داستان بلند و رمان»، «نقد ادبی»، «مجموعه داستان کوتاه» و «بخش ویژه» پاسداشت چهارمِلین سال آغاز جنگ تحمیلی و آغاز دفاع مقدس» معرفی شدند.

تکته جالب درباره این‌شبهه از اختتامیه این است که طی روزهای گذشته که بسیاری از برنامه‌های مختلف فرهنگی با رعایت پروتکل‌های بهداشتی مربوط به کرونا برگزار می‌شوند، چرا جایزه جلال آل احمد به‌عنوان مهم‌ترین جایزه ادبی کشور باید اختتامیه خود را در قالب یک برنامه زنده تلویزیونی در ساعات پایانی روز برگزار کند. البته صرفه‌جویی در هزینه‌هایی گزافی که برخی جوایز فرهنگی کشور در سال‌های گذشته داشته‌اند، می‌تواند دلیل خوبی برای برگزاری این‌گونه اختتامیه سیزدهمین جایزه جلال باشد. مرتضی سرهنگی، محمدرضا بابرمی، مصطفی جمشیدی، دکتر ابوالفضل حری، علی چنگیزی، دکتر میران مشرف، حمید حسام و محمدرضا شوشیان، هیات علمی این‌دوره از جایزه جلال بودند. دبیر علمی این‌دوره جلال هم ابراهیم محمدحسن‌بیگی بود.

در برنامه تلویزیونی مذکور، محسن جوادی، معاون امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ابراهیم محمدحسن بیگی، مرتضی سرهنگی، نماینده هیات علمی در هیات داوران بخش ویژه دفاع مقدس و مصطفی راضی جلالی دبیر اجرایی سیزدهمین دوره جایزه ادبی جلال آل احمد، به بحث و گفتگو درباره اجرا و برگزاری این‌دوره از جایزه جلال پرداختند.

به‌رحال در بخش «مستندنگاری»، داوران دو کتاب «فرکانس ۱۱۶۰ (اینجا آبادان؛ صدای مقاومت و ایستادگی)» نوشته فضل‌الله صابری از انتشارات سوره مهر (دفتر فرهنگ و مطالعات پایداری اصفهان) و «گوهر صبر (مطالعات گوهرالشریعه دستغیب)» اثر طیبه پازوکی از سوره مهر را به عنوان برگزیده مشترک معرفی کردند.

داوران این بخش همچنین کتاب «از ری تا شام روایت ناتمام احمد غلامی» اثر مرحوم «علی مژدهی» را به دلیل اعتبار راوی و همچنین اعتبار صاحب خاطره و محتوای غنی در مورد تاریخ دقیق وقایع کردستان در مقطع ابتدای جنگ و نیز تشکیل تیپ ده سیدالشهدا علیه‌السلام قابل تجلیل ارزیابی کرده و «دبیرخانه جایزه خواستند از این اثر تجلیل کنند. مصطفی رحیمی، سعید علائمان و گلعلی بابایی به عنوان داوران بخش «مستندنگاری» آثار مرتبط با این بخش را بررسی کردند.

در بخش «داستان بلند و رمان»، داوران کتاب «آوردان نیمروز» اثر منصور علیمرادى از نشر نیماژ را «شایسته تقدیر» دانستند.

سعید تشکرى، جواد افهیمی و علی چنگیزی داوری آثار این بخش را به عهده داشتند.

در بخش «نقد ادبی» داوران کتاب «تاریخ بدن در ادبیات» اثر سید مهدی زرقانی (با همکاری: زهرا آقابابایی خوزانی، امید ایزانلو، فاطمه جهانپور، حمیدخامی، محسن شرفایی و فرزانه فرخ‌فر) از نشر سخن را شایسته تقدیر دانستند.

داوران این بخش همچنین کتاب «روایت‌شناسی درام» اثر پرستو محبی را به

خاطر تلاش‌های مؤلف در روش‌مندی، سازمان‌دی و تحلیل ادبیات داستانی – نمایشی مورد تجلیل قرار داده و از دبیرخانه جایزه جلال آل احمد خواستند که به نحو مقتضی از این اثر نیز تجلیل کنند.

حمیدرضا شعیری، محمدرضا سنگری و کامران پارسی‌نژاد داوری آثار بخش «نقد ادبی» را بر عهده داشتند.

هیات داوران ادبی «داستان کوتاه» سیزدهمین دوره جایزه ادبی جلال آل احمد ضمن سپاس از همه نویسندگان ارجمند که آثارشان در این دوره مورد بررسی قرار گرفت، با اتفاق نظر اعلام کردند که مجموعه‌های داستان کوتاه رسیده به دبیرخانه، دارای ساختار و محتوای قابل قبولی از نظر ویژگی‌های فنی و تکنیکی داستان کوتاه نیستند. بنابراین انتخاب برگزیده یا شایسته تقدیر جایزه جلال آل احمد از بین آثار رسیده به دبیرخانه این رویداد ادبی فاقد توجیه فنی و حرفه‌ای است.

به همین دلیل هیات داوران بخش «داستان کوتاه» سیزدهمین دوره جایزه ادبی جلال آل احمد، ضمن آرزوی بالندگی آثار نویسندگان این حوزه در سال‌های آتی هیچ‌کدام از آثار رسیده به این دبیرخانه در این دوره را حائز شرایط برگزیده شدن ندانستند.

داریوش عابدی، راضیه تجار و عبدالعجید نجفی به عنوان داوران بخش «داستان کوتاه» سیزدهمین دوره جایزه ادبی جلال آل احمد به بررسی آثار مرتبط با این حوزه پرداختند.

«بخش ویژه» پاسداشت چهارمِلین سال آغاز جنگ تحمیلی و آغاز دفاع مقدس» سیزدهمین دوره جایزه ادبی جلال آل احمد در دو بخش «معرفی چهره‌های داستان نویسی و مستندنگاری دفاع مقدس» و «پایان‌نامه‌های دانشگاهی با‌موضوع ادبیات‌داستانی دفاع مقدس» آثار برتر را معرفی کرد.

در بخش «معرفی چهره‌های داستان‌نویسی و مستندنگاری دفاع مقدس» به انتخاب اهالی رسانه، محمدرضا بابرامی، احمد دهقان، سعید قیصری، حبیب احمدزاده، داریوش میران، قاسمعلی فرست، داوود غفازاردگان، گلعلی بابایی، حمید حسام، اکبر صحرایی، علی مؤذنی و رحیم مخدومی به‌عنوان چهره‌های برتر معرفی شدند.

بررسی مؤلفه‌های خاطره در کتاب «امدادگر کجایی؟»

نقد کتاب «امدادگر کجایی؟» تألیف معصومه رامهرمزی توسط محمدتقی عزیزیان به نگارش درآمده است که در ادامه متن آن می‌آید:

مقدمه

«امدادگر کجایی؟»، این کتاب را چند وقت پیش از دوستی هدیه گرفتم؛ می‌بایست آن را برای پژوهش در خاطرات یکی از راوی‌ها می‌خواندم که در آبادان سال‌های جنگ حضور داشت. کتابی که انتشارات مرکز تحقیقات دفاع مقدس، در سال ۱۳۹۷، با شمارگان ۱۰۰۰ نسخه و در ۳۷۶ صفحه، در قطع رقیعی منتشر کرده بود.

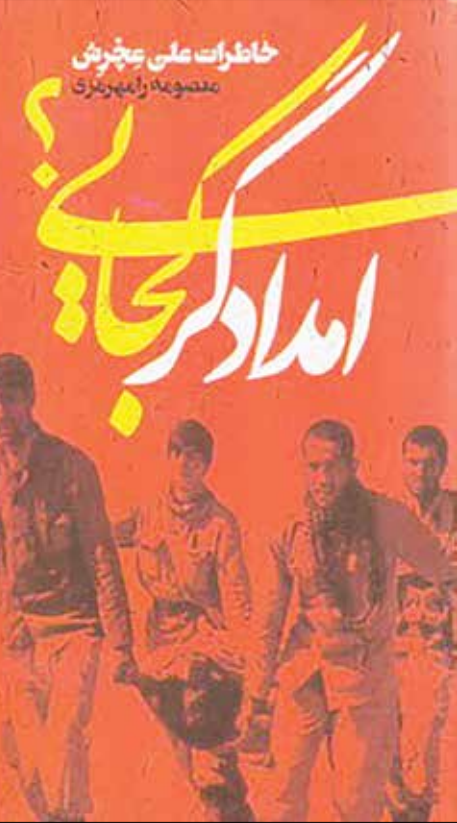
پس از ورق زدن و خواندن چند صفحه از فصل اول کتاب، توانستم ارتباط خوبی با متن بگیرم و با بهترین‌ت بگویم متن توانست ذهنم را درگیر کند. با خودم فکر کردم حالا که موقعیت دست داده، بهتر است یادداشتی بنویسم روی کتاب و مؤلفه‌های خاطره‌نگاری را از روی همین کتاب حلاجی کنم؛ شاید به کار خاطره‌نگارها بیاید و علاقمندها هم بهره‌ای ببرند.

اگر خاطره‌نگاری را به چهار گونه‌ی خود نوشت آزاد، خود نوشت مقید، دیگرنوشت آزاد و دیگر نوشت مقید قسمت کنیم، «امدادگر کجایی؟» را می‌بایست در گونه‌ی «خاطره‌نگاری دیگرنوشت مقید» بررسی کرد که در آن معصومه رامهرمزی، به نگارش خاطرات علی عیجرش می‌پردازد. راوی از امدادگرهای دفاع مقدس است. امدادگرها به خاطر این که کارشان بیشتر با زخمی‌ها و تأمین دارو و رساندن اقلیمی بهداشتی بوده، خاطراتشان جالب و گیراست؛ ضمن این که خیلی از زخمی‌ها در هنگام مدوا و انجام کارهای امدادی، شهید شده‌اند و خاطرات امدادگرها پر است از این جور صحنه‌های عاطفی.

از طرفی در شمار کمی از کتب دفاع مقدس به معرفی امدادگرها توجه شده و بسیاری از زحمات این گروه، پنهان مانده؛ این کاستی فرصتی را به نویسنده و راوی می‌دهد و مطالبشان را از گیر افتادن در تکرار و کلیشه‌ای نجات می‌دهد. بارها کلماتی مثل خاطره، زندگی‌نامه، تاریخ و داستانی به گوشمان خورده است؛ این کلمات گاهی معنای نزدیک به هم دارند و گاه به یک معنی تعبیر می‌شوند و مرز مشخصی برای آنها نمی‌شود، معلوم کرد، در اینجا بحث ما خاطره‌نویسی و زندگینامه است، از پرداختن به دو موضوع دیگر، صرف نظر می‌کنیم؛ گذشته از این که برخی تاریخ را قبول ندارند و تعبیرشان از تاریخ، همان زندگینامه است؛ برای نمونه رالف وادوامرسون، نویسنده آمریکایی قرن نوزدهم، اعتقاد دارد که: «تاریخ به معنای واقعی ندارد؛ بلکه فقط زندگینامه وجود دارد.»۱ شاید اگر وادوامرسون با خاطره‌نویسی آشنایی بیشتری داشت و عناصر را می‌شناخت و یکی از مؤلفه‌های خاطره؛ یعنی دنیای شخصی راوی را بارها در نوشتن خاطرات تجربه کرده بود، این گفته را –که تا حدودی هم صحیح و قابل اعتماد است– به سمت خاطره و خاطره‌نگاری سوق می‌داد. زیرا ما در خاطره است که با این اصل دنیای شخصی راوی مواجهیم؛ اگر اتفاقی برای کسی بیفتد و ما چند بار از او در موقعیت‌های مختلف بخواهیم آن را روایت کند، هربار به گونه‌ای آن را بازگو می‌کند؛ حال اگر یک اتفاق برای چند نفر بیفتد که در یک صحنه حضور داشته‌اند، اگر از هرکدام از آنها، یک روایت بخواهیم، قلعاً هیچکدام مثل هم روایت نمی‌کنند، دلایل این است که دنیای شخصی افراد و احساسات، عواطف آنها ضمیمه‌ی اتفاق و روایت می‌شود و همین آن را دگرگونه می‌سازد. شناسایی نقاط عطف خاطرات

با این مقدمه گاهی هم به ذهنمان خطور کرده که دست به قلم ببریم و بخش‌هایی از زندگی خود را بنویسیم؛ اما در زمان نوشتن مانده‌ایم که از کجا شروع کنیم، تردید داشته‌ایم. در اینجا با خودمان فکر کرده‌ایم که کدام قسمت از زندگی ما، کدام اتفاق، کدام صحنه برای ما از همه مهمتر بوده؟ حال این اهمیت ممکن است برای یکی از ما اتفاقی تلخ باشد و برای دیگری حادثه‌های شیرین. ممکن است یک اتفاق ساده و یک آشنایی عاشقانه باشد که مسیری را در زندگی ما روشن کرده است و یا عکس آن ما در دعوا و درگیری با کسی، راه تازه‌ی برایمان باز شده باشد و صحنه‌هایی رقم زده باشد؛ همون که هنوز با لذت و شادی و یا با حسرت و اندوه و شاید هم در سکوتی سنگین به آن فکر می‌کنیم؛ اهمیت و نقطه‌ی مشترک همه‌ی این حوادث، اتفاقات و صحنه‌ها در این است که آنها توانسته‌اند جایی در ذهن ما باز کنند و بر روی ضمیر ما نقش بینند، مثل یک حجاری که بر روی سنگی انجام شده باشد.

تک تک آدم‌های دور و بر ما بی‌شک از این دست اتفاقات و حوادث در زندگی‌شان داشته و دارند که روی ذهنشان تأثیر گذاشته و ماندگار شده. به این گروه از اتفاقات و حوادث و صحنه‌ها



می‌توان خاطره گفت. نگارنده امدادگر کجایی؟ را با صحنه‌ای از کودکی راوی شروع می‌کند، حال راوی این صحنه را در چندمین صفحه روایتش، بر زبان آورده، بحث دیگری است؛ اما هدف ما در این جا بررسی موقعیت و یا عدم موقعیت نقش نویسنده در چیدمان صحنه‌هاست.

شروع خوب-توازن عینیت و ذهنیت با این که آبادان ویژگی‌های اقلیمی خودش را دارد و شروع خاطرات راوی می‌توانست در بستر نخلستان اتفاق بیفتد؛ اما کتاب با شنای بچه‌ها در شط شروع می‌شود. بچه‌هایی که به دور از چشم پدر و مادر، برای فرار از گرما و شرعی آبادان، تن به آب می‌زنند. این صحنه با روایتی عینی و واقعی نگارش شده که بومی‌ها در بچی آن را تجربه کرده‌اند. در اینجا مفاهیم آب، شط، گاموشی، کوسه، بچه‌ها، لباس، نخل همه واقعی هستند و نمود بیرونی و فیزیکی دارند؛ در ادامه نگارنده با آوردن بعضی اسامی و عبارت‌ها و رو کردن خطر ذهنی، خیالی و احتمالی «حملهٔ کوسه به بچه‌ها» که نه اتفاق افتادن آن قطعیت دارد و نه می‌توان از کنار این احتمال و اتفاق رد شد.

همین دوگانگی مفهومی که در ابتدای متن کتاب آمده، توانفی در ذهن مخاطب ایجاد کرده است که آیا در سطرهای بعدی بچه‌ها و یا یکی از آنها را در زیر آرزوهای کوسه می‌بیند و صدای جیغ و دادش را می‌شنود و یا اتفاق دیگری می‌افتد، آیا کوسه بچه را می‌برد و گاموشی‌های آرام، نجاتش می‌دهند؟ همین سوال‌ها و اما و اگرهایی که متن در ذهن مخاطب جا می‌دهد، در صفحه‌ی اول روایت او را غافلگیر می‌کند تا هنر نویسنده نمایان شود و مخاطب دستش را توی دست متن بگذارد و به متن کتاب دعوت شود.

این اتفاق نشان می‌دهد که نویسنده بر شروع خوب، مهندسی درست متن و جا به جایی تکه‌های یک پازل –که مبنای آن مستندات است– به عنوان یکی از مؤلفه‌های خاطره‌نگاری اشراف داشته است و از دنیای داستان هم اطلاع داشته که با ایجاد توازن بین ذهنیت و عینیت، متن را از لحاظ ادبی توانم تقویت کرده:

«..وحوشت از کوسه‌های بهم‌نشیر، چنان ترسی به جانمان می‌انداخت که شنا کردن از یادمان می‌رفت. هر وقت کوسه به شط می‌زد، صدای بچه‌ها از وسط آب بلند می‌شد: «کوسه، کوسه!» من با شنیدن اسم کوسه فرژ شنا می‌کردم. خودم را به دستهٔ گاموشی‌ها در شط می‌رساندم و کنار هیکل سیاه و زمخت یکی از آن‌ها پناه می‌گرفتم. گاموشی‌ها بر خلاف ظاهر غلظانداژشان، حیوانات آرام وسازگاری بودند.» (ص ۱۵)

روایت دایره‌ای و غیرخطی غیرخطی بودن به این معنا که اگر از آدم‌های پیر که در سال‌های پایانی زندگی‌شان به سر می‌برند یا آدم‌های جوان و میانسال که در اواسط آن به سر می‌برند، سوال شود که در مورد زندگی‌شان حرف بزنند و خاطره‌ای تعریف کنند، ممکن است از همین دم دست؛ یعنی امروز و دیروزشان بگویند و ممکن است از سی سالگی، بیست سالگی و یا کودکی‌شان شروع کنند.

گاهی همین سوال‌شونده، از کنار چند سال از عمرش رد می‌شود و قسمت دیگری را روایت می‌کند؛ این یعنی روایت زندگی با خود زندگی فرق دارد. زندگی آدم از یک سالگی شروع می‌شود یا دوسالگی ادامه پیدا می‌کند و تا آن روزی که ما از او سوال پرسیده‌ایم، می‌آید؛ اما روایتش این قاعده را بهم می‌زند و به قولی دایره‌ای می‌شود. اگرچه دایره‌ای بودن خاطرات در ذهن و زبان راوی اصالت دارد و معمولاً نویسنده‌های خطلی نویس، برای مراعات ترتیب تاریخی متن، سیری را از

روزنامه صبح ایران

امتیاز

کودکی، جوانی، میانسالی و پیری تعریف می‌کنند؛ اما در «امدادگر کجایی؟» کوشش نویسنده این است که کلیشه‌ها را بر هم بزند.

در این روایت نویسنده از زمان راوی به قدیم‌ترها برمی‌گردد و خط روایت را می‌شکند و باز هم در حالی که دارد از قدیم‌ترها می‌گوید به دورانی برمی‌گردد که حوادث آن را نسل‌های پیش از او در ذهن دارند و این‌را از مکانیزم تعریفی که می‌کند:

«دوران بچه‌گی‌ام در محیطی گذشت که هم محل نگهداری دام‌ها بود و هم کشتار آن‌ها… قدیم‌ترها عرب‌های آبادان به این محله «تاپوک» می‌گفتند. آقام تعریف می‌کرد در سال‌های اول آمدن انگلیسی‌ها به آبادان، آن‌ها اجر و مصالح مورد نیاز برای ساخت خانه‌های سازمانی شرکت نفت را با کشتی از رودخانه بهم‌نشیر به آبادان می‌آوردند.» (صص ۱۷–۱۸)

ترسیم دنیای فردی راوی خاطره‌نگاری به نوعی زاینده‌ی اهمیت یافتن دنیای فردی، عواطف، احساسات و تشخیص روایان است. راوی فرصت پیدا می‌کند تا از من فردی حرف بزند؛ بدون این که از قبل به آن فکر کرده باشد و یا به دنبال نظریه‌پردازی باشد و بخواهد چنین و چنان بگوید و سبک و سنگین کند. راوی بدون پیرایه، فقط با توجه به تأثیر حادثه و صحنه و یا اتفاق زبان باز می‌کند:

«عقد ما ساده و بدون هیچ ساز و آوازی بود. معصومه با خواهرهای بسیج برای شرکت در مراسم عقد از آبادان به شیراز آمده بودند. خانوادهٔ من از راه دور آمده بودند… معصومه خواهر عیال و دوستان امدادگر و بسیجی، بعد از خواندن خطبهٔ عقد، مثل یک گروه سرود کارکنته همهٔ سرودهای انقلابی را خواندند. خواهر از سرود «خمینی ای امام» شروع کردند… وسط سرودها خواهرها با صلوات و تکبیر و مرگ بر آمریکا مجلس را گرم می‌کردند… عقد ما بیشتر شبیه راهپیمایی ۲۲ بهمن بود.» (صص ۲۱۰–۲۱۱)

در مسیر گاه اشک همراهش می‌شود و گاه

لبخند و گاهی غمی شیرین و نوستالژیک که برای

نویسن صحنه‌ها، آدم‌ها، مکان‌ها و زمان‌هایی است که دیگر به دنیای او برنمی‌گردند:

لبخند:

«من را به یکی از اتاق‌ها بردند و با زور کت و

شلوار غلام را تنم کردند.» (ص ۲۱۱)

اشک:

«به خیابان سیاحی که رفتم، دلم گرفت. جای

پدر و مادر، خواهر و برادرهای کوچکم و همسایه‌ها

خالی بود.» (ص ۱۴۵)

پرش زمان و استفاده از الفاظ مبهم
عزیز زنگتائی که در کتاب امدادگر کجایی؟ آمده، وفور نقش آدم‌ها، مکان‌ها، زمان‌ها، صنف‌ها و حتی شهرها، خانه‌ها، میدان‌ها در خاطرات دوران دفاع مقدس آبادان است، که مثل سایر مناطق جنگی و عملیاتی کشور، این فرصت و زمینه را آماده کرده که نویسنده‌های خاطرات به نگارش دنیای راوی و در زمان و مکان‌های مشخص یا قصه‌های به ظاهر شبیه؛ ولی در باطن متفاوت روی بیابورند؛ اما نکته‌ای که نویسنده از آن غافل بوده و یا ذهن راوی یاری نکرده، پرش زمان است. راوی در خیلی از خاطرات خود با عبارات: «بعضی»، «کسی»، «سدتی»، «چندنفری»، «چند ماهی» … دست و پنجه‌نرم می‌کند که اگر مطلب به درازا نمی‌کشید می‌شد بر اساس روایت‌شناسی ژرار ژنت، به بررسی آسیب پرش زمان و استفاده از الفاظ مبهم در روایات کتاب پرداخت:

«بعضی از جوان‌های کم سن و سال عرب، تحت تأثیر احساسات ناسیونالیستی قرار گرفتند و آتش‌بیار معرکه شدند.» (ص ۷۳)
«چند نفرماندیم و تابوت را بلند کردیم و به طرف قیرها رفتیم.» (ص ۳۳۳)

آوردند» (ص ۳۴۹)

همزادپنداری نویسنده و راوی یکی از دلایل موفقیت این کتاب انتخاب نویسنده‌ای است که با راوی همزادپنداری خاصی دارد؛ زیرا با راوی هم‌بوم و هم اقلیم است و مهمتر از همه همکار است و هم‌رزم؛ همین باعث شده تا زبان راوی را خوب کند، خوب همض کند و خوب به مخاطب تلخ نماید:

«قبل از انقلاب و جنگ در همسایگی ما خانواده رامهرمزی زندگی می‌کردند. با پسر بزرگشان اسحاق از اواخر دورهٔ ابتدایی دوست شدم و دوستی ما تا زمان جنگ ادامه پیدا کرد… پنج تا خواهرهای اسحاق مثل خواهرهای خودم بودند.

شهربانو و صدیقه و معصومه در آبادان امدادگر بودند.» (صص ۲۰۲–۲۰۳)

اینجا راوی به زبان خودش نویسنده را معرفی می‌کند و به نوعی معصومه رامهرمزی هم‌رمز علی عیجرش است که به سراغ خاطرات او رفته است که بخش‌هایی از این خاطرات بین هر دونفرشان مشترک است و هر دو راوی یک درد مشترک‌اند به نام امدادگری.

اعتماد سازی بر پایه‌ی نشانه‌گذاری‌های دقیق اقلیمی ذکر دقیق نشانی‌ها همراه با تصویر زندگی در محله‌های آبادان از دیگر نکاتئی است که اعتماد مخاطب را جلب می‌کند و او را به باورپذیری متن متقاعد می‌سازد و امانتداری نویسنده را به نمایش می‌گذارد؛ آوردن اسامی خیابان‌ها، میادین، کوچه‌ها و حتی موقعیت دقیق قرار گرفتن خانه‌ها از این مصادیق است:

«در خیابان سیاحی یک کارگاه چوب‌بری داشتیم. آنجا جعبه‌های چوبی می‌ساختند. میدان میوه نزدیک خیابان سیاحی بود.» (ص ۷۱)
«با مساجد بزرگ شهر، مثل بهبهانی‌ها، امیرالمومنین و امام خمینی ارتباط گرفتیم.» (ص ۷۵)

«بیمارستان شیر و خورشید، نزدیک محلهٔ احمدآباد قرار داشت؛ بیشتر مصدومان تصادفات و دعوای خیابانی را به این بیمارستان می‌آوردند.» (ص ۹۹)

بهره‌گیری از عنصر طنز

با این که طنز از مؤلفه‌های خاطره‌نگاری نیست؛ اما بستر مناسبی است که می‌تواند مخاطبان زیادی داشته باشد و مطالب بیشتری را بیان کرد که در زبان جدی رنگ و بوی اعتراض و شوک‌ایبه دارند و ممکن است در برابرشان واکنش‌های خاصی را ببینیم؛ همین شوک‌ایبه‌ها وقتی در قالب طنز ریخته می‌شوند، کسی جبهه نمی‌گیرد و با نخند هم متن را همراهی می‌کند. نویسنده کتاب امدادگر کجایی؟ از این مقوله هم بی‌بهره نمانده است.

در فضای که به شدت زیر آتش خمپاره و توپ و تانک قرار دارد، جوی سخت و خشن حاکم شده؛ آن هم برای راوی که یک امدادگر است که از نزدیک با این خشونت‌ها و پلشتی‌ها جنگ درگیرست، تنها چیزی که می‌تواند خاطر او را از دود باروت و شعله‌های آتش، رها سازد و نفس راحتی بکشد، روی آوردن به طنز و شوخ‌طبعی‌هاست. راوی در دل جنگ که تا نیمه‌های شب و گاه چند شب هم در محل خدمتش مانده؛ یادش می‌افتد که عاشق شود و به خواستگاری برود:

«بعد از تمام شدن مراسم، خواهرها را به هتل برگرداندم. شهربانو و دوستانش، خاداحافظی کردند و رفتند و من کت و تنها در خیابان ایستادم. بومد.

داخل ماشین نشسته بودم و فکر می‌کردم. کمی از ردم و به نگهبان هتل گفتم: «با خواهر رامهرمزی بزرگ کار دارم.» در تاریکی شب کنار دیوار ایستادم. شهربانو آمد. با دیدن من تعجب‌زده پرسید: «چیزی شده؟! چرا هنوز اینجایی؟»

نمونه دیگر در جایی است که عراقی‌ها در شرف فتح خرمشهر هستند و این احتمال وجود دارد تا هر لحظه به سمت آبادان بیایند، یکی از دوستان راوی به نام «ایرج» ناامیدانه از راوی می‌پرسد:

ایرج با بغض گفت: «چیزی نمونه عراقیا خرمشهر رو بگیرن. بعدش هم احتمالاً آبادان رو می‌گیرن، جوونا مفت، مفت کشته شدن. چرا برای ما کمک نمی‌فرستن؟»

چرا نیروهای کمکی نمی‌رسند؟ همین سوال ایرج یک تابلوی طنز را به کتاب اضافه می‌کند. ایرج ادامه داد: … تا کی جوونای ما باید کشته بشن؟ به ایرج گفتم: «قرآن این رو هم جواب داده: ﴿يُؤْتِلِكُلْهُمْ شَيْءٌ مِّنَ الْخُبْرِ وَآلِجُوعٍ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالتَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الضَّالِّينَ﴾ ایرج پرسید: «خب یعنی چی؟» گفتم: «ها رو امتحان می‌کنه. من و تو ترسیدیم درسته؟ ما رو با ترس آزمایش می‌کنه.» گفت: «تخیر ما نترسیدیم.» گفتم: «بعد با گرسنگی امتحان می‌شیم.» بعد

گفتم: «این روزا گرسنه شدی؟» گفت: «همه‌ش گرسنه‌ایم.» گفت: «… امتحان بعدی با دادن جوئه. تازه ثمرات. منظور از ثمرات از بین رفتن فرزندان.» ایرج گفت: «ما که بچه داریم، تازه ازدواج هم نکردیم.» گفتم: «تا کی این امتحان نیستیم.» چالشی که برای راوی ایجاد می‌شود در هنگام این گفتگو با جواب‌هایی که ایرج به پرسش‌های او می‌دهد و قانع نمی‌شود، طنز متن را بیشتر می‌کند. شوخ‌طبعی ایرج در پاسخ به به سوال از بین رفتن ثمرات، می‌دهد غنای بیشتری به متن می‌بخشد و آن را به اوج می‌رساند.

کتابنامه:

۱– رامهرمزی، معصومه، امدادگر کجایی؟، تهران، مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، ۱۳۹۷.
۲– دهقان، احمد، خاک و خاطره، تهران، سوره مهر، ۱۳۸۶.
۳– بریان دازبورن، چگونه زندگی‌نامه بنویسیم، مترجم محسن سلیمانی، تهران، سوره مهر، ۱۳۸۷.

روم‌نمای از کتاب «میهمان عراق با قلم شخصیت های عراقی» در عراق

سخنرانی خود به نقش این دو شهید در مقابله با توطئه‌های دشمنان عراق اشاره کرد و گفت: نقش المهندس و حاج سلیمانی به حفاظت از عراق در برابر باندهای تروریستی داعش محدود نمی‌شود. آنها نقش بزرگی در حفاظت از عراق در برابر گروه تروریستی داعش داشتند اما پیش از این مرحله نیز شهیدان سلیمانی و حاج ابومهدی المهندس در خاموش کردن فتنه طایفه ای در عراق نقش ایفا کردند.

در ادامه این مراسم، ربان الکلدانی، رهبر بزرگ‌ترین فراکسیون مسیحیان در پارلمان عراق گفت: مسیحیان عراق نیروی و لطف فرماندهان شهید سپهبد «حاج قاسم سلیمانی» فرمانده نیروی قدس و شهید «ابومهدی المهندس» معاون سازمان الحشد الشعبی عراق را هرگز از یاد نخواهند برد.

در پشت جلد کتاب نیز تصویری از صحنه ترور شهیدان سلیمانی و المهندس به چاپ رسیده و نوشته شده که دولت تروریستی آمریکا در اقدامی بزدانه و خیانتکارانه، میهمان بزرگ عراق را در دوم ژانویه سال ۲۰۲۰ میلادی در فرودگاه بین المللی بغداد ترور کرد.

اخبار

نظرسنجی تازه صداسویما اعلام شد

«پایتخت ۴» پربیننده‌ترین سریال‌باز پخش در تازه‌ترین نظرسنجی مرکز تحقیقات رسانه ملی، در میان سریال‌های در حال پازپخش از شبکه‌های تلویزیونی، مجموعه «پایتخت ۴» شبکه آی‌فیلم در صدر آرا قرار گرفت.

به‌گزارش امتیاز، در این نظرسنجی که در سراسر کشور انجام شده، شبکه آی‌فیلم پربیننده‌ترین در بخش سریال‌های در حال پازپخش شد. بر اساس این گزارش، این مجموعه طنز توانسته ۲۶٫۷ درصد بینندگان را به خود جذب کند. این مجموعه شش فصلی پرتعداد را در حال پخش از شبکه آی‌فیلم است و از امروز با پایان بخش فصل چهارم، فصل پنجم آن هر شب ساعت ۲۱:۰۰ روی آنتن می‌رود. پازپخش آن در ساعات‌های ۵ و ۱۳ روز بعد خواهد بود.

در مستندی از هیسپان تی‌وی بررسی می‌شود: **چالش های جدایی‌طلبان در اروپا** مستند تولیدی «فراتر از کاتالونیا؛ چالش های جدایی‌طلبان در اروپا» فردا برای مخاطبان اسپانیایی زبان شبکه هیسپان تی وی پخش می‌شود.

به گزارش امتیاز، این مستند دیدی کلی درباره پانورامای ناسیونالیستی در اروپا را به مخاطب ارائه می‌دهد و ضمن بررسی موضوع استقلال کاتالونیا از اسپانیا، نشان می‌دهد که در اکثر کشورهای اروپایی، یک یا چند منطقه تمایل به خودمختاری دارند و این مسئله به معضلی جدی در قاره اروپا تبدیل شده است. آریادانا گارسیا، تهیه کننده این مستند با سفر به کشورهای مختلف اروپایی به مسائل خودمختاری و استقلال طلبی در کشورهای همچون فرانسه، لهستان، بوسنی و هرزگوین و فرانسه می‌پردازد و دیدگاه بومیان این مناطق در این خصوص می‌شود. در این مستند با افراد مختلف از مردم عادی تا اساتید دانشگاه و گفت‌وگو و به مسائل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کشورهای اروپایی پرداخته می‌شود.

مستند «فراتر از کاتالونیا، چالش‌های جدایی‌طلبان در اروپا» چهارشنبه ۱۷ دی ماه ساعت ساعت ۰۳:۰۰ بمداد از شبکه هیسپان تی وی پخش می‌شود. اسپانیایی زبان های سراسر جهان می توانند پازپخش این مستند را همان روز ساعات ۸، ۱۴ و ۲۰:۳۰ مشاهده کنند.

مروری بر اهم وقایع مرتبط با ایران در سال ۲۰۲۰ در پرس تی وی

مهمترین وقایع و رویدادهای ایران در سال ۲۰۲۰ در برنامه این هفته «ایران امروز»(Iran Today) در شبکه پرس تی وی بررسی می‌شود.

به گزارش امتیاز، در این برنامه مروری بر رخدادهای مهم سیاسی، نظامی، اجتماعی و … کشور در سال گذشته میلادی صورت می‌گیرد. تور سردار سپهبد شهید قاسم سلیمانی، حمله موزکی ایران به پایگاه آمریکایی پیکر الاسد، برگزاری مراسم باشکوه تشییع عینک سردار سلیمانی، انتخابات مجلس و پیروزی قاطع اصولگرایان، شیوع کرونا در ایران و دانشمند هسته ای دکتر محسن فخری زاده از جمله وقایع مورد اشاره در این برنامه خواهد بود.«ایران امروز» به تهیه‌کنندگی سارتاب شجاعی و اجرای مژگانی ایران به پایگاه آمریکایی پیکر الاسد، برگزاری مراسم باشکوه تشییع عینک سردار سلیمانی، انتخابات مجلس و پیروزی قاطع اصولگرایان، شیوع کرونا در ایران و دانشمند هسته ای دکتر محسن فخری زاده از جمله وقایع مورد اشاره در این برنامه خواهد بود.«ایران امروز» به تهیه‌کنندگی سارتاب شجاعی و اجرای مژگانی ایران به پایگاه آمریکایی پیکر الاسد، برگزاری مراسم باشکوه تشییع عینک سردار سلیمانی، انتخابات مجلس و پیروزی قاطع اصولگرایان، شیوع کرونا در ایران و دانشمند هسته ای دکتر محسن فخری زاده از جمله وقایع مورد اشاره در این برنامه خواهد بود.»
در دو ساعت ۰۵:۰۰، ۱۲:۰۰ و ۱۶:۰۰ پنجشنبه در دو نوبت در ساعات ۰۷:۰۰ و ۱۹:۰۰ و جمعه ساعت ۱۶:۰۰ روی آنتن خواهد رفت.

مستند «انقلاب دزدیده شده» از شبکه سحر

مستند «انقلاب دزدیده شده» با کارگردانی مشترک سلمان رضوانی و آرمینا رضوانی از کانال بالکان شبکه سحر پخش می‌شود.

به گزارش امتیاز، اولین رئیس جمهور کشور بوسنی و هرزگوین مسلمان معتقد بود که برای بقای کشورش در جنگ و صلح طی سال های دهه ۱۹۹۰ میلادی مبارزه کرد. این مستند روایتی از زندگی «علی عزت بگوویچ» است. در مطلع این مستند از قول «عزت بگوویچ» می‌خوانیم: «انقلاب جنگ را داشتم، اما انتظار نسل کشی را نداشتم.» مستند «انقلاب دزدیده شده» که در دو قسمت ۵۰ دقیقه ای چهارشنبه این هفته و هفته آینده پخش خواهد شد، بر اساس پژوهش و نگارش سلمان رضوانی و آرمینا رضوانی تهیه شده است. عوامل ساخت این مستند به سراغ دوستان و هم‌زمان رئیس جمهور سابق بوسنی و هرزگوین همچون «جمال الدین لاتیج» و «داهم بیجاکویچ» و… رفته و از آنان در خصوص اوضاع و احوال سیاسی و اجتماعی آن زمان کشور بوسنی و مدیریت کشور، تلاش و همراهی «علی عزت بگوویچ» برای حفظ کشورش می‌پرسند. مستند «انقلاب دزدیده شده» محصول سازمان فرهنگی و هنری اوج چهارشنبه ۱۷ دی ساعت ۲۰:۰۰ به وقت تهران بر روی آنتن کانال بالکان شبکه سحر است. معمر اسپاهویچ زبانگردانی و ترجمه این مستند به زبان بوسنیایی را برعهده داشته است.

«حیات وحش خراسان شمالی» برای مخاطبان شبکه سحر در شبه قاره مستند «حیات وحش خراسان شمالی» گونه های مختلف جانوری استان خراسان شمالی را شناسایی و به مخاطبان شبکه سحر در شبه قاره هند معرفی می‌کند.

به گزارش امتیاز، حیات وحش بومی و گونه های جانوری نادر و درحال انقراض استان خراسان شمالی در مستند «حیات وحش خراسان شمالی» به زبان اردو از شبکه سحر پخش خواهد شد. «حیات وحش خراسان شمالی» تولید شبکه استانی اترک با زبانگردانی یروانه طابلی، ۱۷ دی ماه ساعت ۱۸:۳۰ به مدت ۳۵ دقیقه از کانال اردوی شبکه سحر پخش خواهد شد.